

## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين لاسيما بقية الله في الارضين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الاولين والآخرين  
«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»<sup>۱</sup>

## روشهای پیامبر اکرم را در ابلاغ ولایت امیرالمومنین در سال آخر عمرشان

۵) روز آخر عمر شریف ایشان بود که داستان نماز ابوبکر اتفاق افتاد درحالیکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم او را فرستاده بودند و امر کرده بودند که همراه اسامه در لشکری که مهیا شده، حرکت کند به سوی روم. در آن یکی دو روز آخر عمر شریفشان که حالشان وخیم شد بدون خبر از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم او به مدینه برگشته بود. از داخل منزل پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به وی اطلاع داده شد که حال پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اینچنین است و او و یارش به داخل مدینه برگشتند و در دوشنبه به نماز رفتند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند که ایشان را حرکت دادند با کمک دو نفر، معتمدا علی رجلین و رجلاه تخطان الارض<sup>۲</sup> با این حال حضرت خودشان را به محراب رساندند و نشسته نماز خواندند وقتی به منزل برگشتند دیگر کسی را راه ندادند. حال حضرت حالی بود که اقتضا نمی کرد کسی بر حضرت وارد شود فقط امیرالمؤمنین علیه السلام و ازواجشان و صدیقه طاهره سلام الله علیها.

وقتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مشغول استراحت شدند، فرمودند: ادعوا لی حبیبی. فرمودند بگویند علی بیاید. لما حضرت الوفاة قال ادعوا لی حبیبی فدعوا له ابابکر فنظر الیه ثم وضع رأسه دوباره فرمودند ادعوا لی حبیبی دختر عمر فرستاد دنبال پدرش، فلما نظر الیه وضع رأسه ثم قال ادعوا لی حبیبی فدعوا له علیا فلما رآه ادخله معه فی الثوب الذی کان علیه فلم یزل یحتضنه حتی قبض و یده علیه<sup>۳</sup>  
این حدیث با همین لفظ از عایشه است

ام سلمه می گوید رفتیم خدمت ایشان عدنا رسول الله عداة و هو یقول جاء علی جاء علی مرارا کس دیگری را نخواستند فقالت فاطمة کانک بعثته فی حاجة این در روایات دیگر هم هست که در ایام آخر عمر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم کارهای ایشان را امیرالمؤمنین علیه السلام انجام می دادند. فجاء علی قالت ام سلمة فظننت ان له الیه حاجة فخرجنا من البيت فقعدنا عند الباب و كنت من ادناهم الی الباب فاکب علی و جعل یساره و یناجیه ثم قبض رسول الله من یومه ذلک فکان علی اقرب الناس عهداً<sup>۴</sup>

این احادیثی که خواندم از احادیثی است که قطعی است هم احمد در مسند هم نسائی در صحیحش و دیگران نقل می کنند و حاکم می گوید حدیث صحیح الاسناد.

خود حدیث را با دقت بخوانیم شرایط را لحاظ کنیم قرائن را هم توجه داشته باشیم چه نتیجه ای گرفته می شود. اما جعل کرده اند یا خود زوجه رسول الله جعل کرده یا از قول او جعل کرده اند که می گویند: توفی رسول الله و رأسه بین سحری و نحری. راوی این حدیث عروه است عروه پسر زبیر است ما در تحقیقاتمان به این نتیجه رسیدیم که اولاد زبیر و اولاد اولاد زبیر دشمنی سختی با امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند.

۱. نحل / ۱۲۵

۲ صحیح بخاری ج ۷ ص ۱۸

۳ مسند احمد، احمد حنبل، ج ۱ ص ۵۸۸ ح ۳۳۴۵

۴ مسند احمد ج ۶ ص ۳۰۰ / المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۳۸ / الخصائص ۴۰

راوی خدمت ابن عباس گفت: عروه اینگونه نقل کرده. ابن عباس گفت: اتعقل والله لتوفی رسول الله و انه لمستند الی صدر علی و هو الذی غسله و اخی الفضل<sup>۵</sup>. این در طبقات ابن سعد است که از کتب اولیه آنها است و معتبر است (ابن سعد را حتی ابن تیمیه توثیق می کند) با آن تعصبش و از اینجا نتیجه می گیریم که سعی می کند که در قضایایی که حساس و سرنوشت ساز است و از خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام شمرده می شود سعی دارند چیزی در مقابل آن جعل کنند.

در نتیجه قبض رسول الله و راسه فی حجر علی. این پیام دارد که فوت رسول الله هم دعوت است به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام. ما باید از ام سلمه تشکر کنیم و قدر وی را بدانیم حق بر ما دارد.

از امام سجاد این معنا روایت شده از ابن عباس روایت شده از برخی صحابه دیگر روایت شده از ام سلمه روایت شده است.

م) بعد نوبت به تجهیز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می رسد. غسل، تکفین و دفن و نماز قبل از دفن به توسط چه کسی انجام شده؟ چه کسی اولی از امیرالمؤمنین علیه السلام است؟! همه اینها به توسط امیرالمؤمنین علیه السلام انجام شده و اگر کسی با امیرالمؤمنین علیه السلام در تغسیل و تکفین و تدفین همراهی کرده یا حضور داشته با اذن امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است.

تفصیل این مطلب و احادیثش را هم در مسند احمد هم در طبقات ابن سعد هم در معجم الکبیر هم در کتب سیره و هم حلیه الاولیاء و سنن بیهقی این مطلب روایت شده است.

حاکم از ابن عباس نقل می کند که: لعلی اربع خصال لیست لاحد (این اربع خصال فعلاً در این حدیث است و الا از خود ابن عباس به سند بسیار صحیح داریم که ده خصلت نقل می کند). هو اول عربی و اعجمی صلی مع رسول الله و هو الذین کان لوائه معه فی کل زحف و هو الذی صبر معه یوم المهراس (در روز احد فرار کردند پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را تنها گذاشتند) و هو الذی غسله و ادخله قبره<sup>۶</sup>. این از خصائص و از امتیازات حضرت است. در طبقات ابن سعد آمده: قال علی اوصی النبی ان لا یغسله احد غیری<sup>۷</sup>.

نماز خواندند و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را به خاک سپردند. آقایان در سقیفه بنی ساعده جمع بودند. در سقیفه فقط سه نفر از مهاجرین بودند که آن دو نفر و یک نفر دیگر که دستیارشان بوده و جمعی از انصار آنجا بودند.

البته اگر به سقیفه هم نرفته بودند، باز هم راهی برای تغسیل و تکفین و تدفین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نداشتند زیرا دیگران که در اطراف خانه پیامبر بودند هیچ سهمی در این امور نداشته اند. نوشته اند که یکی از این افراد به التماس افتاده است و می گفته که من هم وارد این اتاق بشوم، حضرت فرمودند: بیا عیب ندارد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خبر دادند که اولین کسی که در قیامت بر من وارد می شود و با من مصافحه خواهد کرد علی بن ابی طالب است اول من یرانی و یصافحنی<sup>۸</sup>.

ن) داستان حوض خیلی مهم است و کم کار شده است. بیش از پنجاه نفر از صحابه حدیث حوض را روایت کرده اند. این حوضی است که در کنار این حوض پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ایستادند و در کنارشان امیرالمؤمنین علیه السلام.

۵ طبقات ابن سعد ج ۲ ص ۲۶۳

۶ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ج ۱ ص ۱۱۷

۷ الطبقات الکبری ج ۲ ص ۲۱۴

۸ ترجمه الامام علی بن ابی طالب من تاریخ مدینه دمشق ج ۳ ص ۱۲۰ رقم ۱۱۶۳

حدیث حوض می گوید: لیردن علی اصحابی<sup>۹</sup> اما اینها را گروه گروه به این طرف و آن طرف می برند و از آب حوض کسی از آنها نمی خورد و اجازه مکث کردن هم داده نمی شود و به طرف شمال می برند نه به طرف یمین. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می گویند: اینها اصحاب من هستند اما جواب می آید که اینها ارتدوا علی ادبارهم القهقری.

این حدیث را در کنار این آیه نگاه کنید «وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سيجزی الله الشاکرین» این آیه خطاب به صحابه است. حدیث حوض این آیه را تفسیر می کند. این حدیث از احادیث قطعی است. آن وقت بخاری می گوید: فلا یخلص منهم الا مثل همل النعم. این ها نماز که می خواند روزه می گرفتند حج می رفتند پس این ارتداد از چیست؟ حدیث غدیر را و بیعت روز غدیر را نباید فراموش کنیم. سپس پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: اولکم ورودا علی الحوض اولکم اسلاما<sup>۱۰</sup>.

ابن ابی شیبیه (استاد بخاری) این حدیث را نقل کرده، حاکم در الاستیعاب روایت کرده و در مجمع الزوائد آمده. این حوض اختیارش در دست امیرالمؤمنین علیه السلام است صاحب حوضی یوم القیامة. یا علی معک یوم القیامة عصا من عصی الجنة تذود بها المنافقین عن حوضی<sup>۱۱</sup>.

(و) سپس صراطی وجود دارد. از این صراط همه باید عبور کنند. اذا جمع الله الاولین و الاخرین یوم القیامة و نصب الصراط علی جسر جهنم ما جازها احد حتی کانت معه براءة بولایة علی بن ابی طالب<sup>۱۲</sup>. این در منابع فریقین نقل شده است که اولین و آخرین باید از امیرالمؤمنین علیه السلام چیزی در دستشان باشد و قیدی ندارد که اولین و آخرین در اسلام.

(ی) نوبت می رسد به بهشت و جهنم. این حدیث از احادیثی است که لا کلام فیها و دو جور می شود معنا کرد: یک وقت می گوئیم حدیث آمده است که علی قسیم النار<sup>۱۳</sup> یک وقت می گوئیم علی قسیم الجنة و النار که هر دو حدیث وارد شده است. تفاوت در کلمه قسیم است که یا فعل به معنای فاعل است یعنی مقسم. یا صفت مشبیه است یعنی یک علی داریم و یک نار داریم و هرچه غیر علی است، نار است. راویان این حدیث بزرگانی مانند ابوالحسن دارقطنی بغدادی است که به او امیرالمؤمنین فی الحدیث می گویند: ابن حجر مکی این حدیث را در کتاب صواعق نقل کرده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: در ورود به بهشت پرچمی دارد که به دست امیرالمؤمنین علیه السلام است. طبیعتا اولین کسی که به بهشت وارد می شود امیرالمؤمنین علیه السلام است. این پرچم نامش لواء الحمد است. از حضرت سؤال شد یا رسول الله من یحمل رایتک یوم القیامة؟ قال: من عسی ان یحملها یوم القیامة الا من کان یحملها فی الدنیا علی بن ابی طالب<sup>۱۴</sup>.

۹ صحیح بخاری ج ۸ ص ۱۵۰

۱۰ شرح ابن ابی الحدید ج ۱۴ ص ۱۱۷

۱۱ طبرانی ج ۲ ص ۸۸ - حاکم می گوید: صحیح الاسناد.

۱۲ اخبار اصبهان، ابونعمین اصفهاننج ص ۳۴۱ / المناقب، ابن مغازلی ۱۱۹/۱۵۳

۱۳ تاریخ دمشق، ترجمة الامام علی ۲۰۷۷۵، ۲۰۵۳

۱۴ تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۷۴

امیرالمؤمنین علیه السلام اولین نفر وارد بهشت می شوند چون پرچم جلو است و همه انبیا تحت لوای امیرالمؤمنین علیه السلام باید وارد بهشت شوند. لذا ابن عباس نقل می کند که قال رسول الله لعلی انت امامی يوم القيامة فيدفع الی لواء الحمد فادفعه الیک<sup>۱۵</sup>

امیرالمؤمنین فرمود: اخبرنی رسول الله ان اول من یدخل الجنة انا و فاطمة و الحسن و الحسين فقلت یا رسول الله فمحبونا؟ قال من ورائکم<sup>۱۶</sup>. زمخشری، طبرانی، ابن عساکر این روایت را دارند. حاکم می گوید: هذا حدیث صحیح الاسناد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: من و علی و حسنین لقی مکان واحد يوم القيامة<sup>۱۷</sup>

در مسند احمد در مسند ابویعلی در مسند ابوبکر بزار است. حاکم می گوید هذا حدیث صحیح الاسناد.

همه انبیا و خوبان وارد بهشت شده اند اما پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: سادات اهل بهشت علی و الحسن و الحسين و المهدي. حاکم می گوید: هذا حدیث صحیح علی شرط المسلم.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: قال لی رسول الله انک و شیعتک فی الجنة<sup>۱۸</sup>.

جابر بن عبد الله انصاری می گوید نشستہ بودیم فاقبل علی فقال النبی و الذی نفسی بیده ان هذا و شیعتہ لهم الفائزون يوم القيامة<sup>۱۹</sup> و در این هنگام آیه «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة» نازل شد. ۲۰ و ۲۱

نتیجه این احادیث این است که صرفا و فقط و فقط امیرالمؤمنین علیه السلام خلیفه رسول الله است و امام المسلمین تمام ملکات و صفات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را امیرالمؤمنین علیه السلام دارند الانبوت و لذا تمام مسئولیتهای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را امیرالمؤمنین علیه السلام دارند نه غیر ایشان.

در جلسه آینده اشاره خواهیم کرد به احتجاجات ائمه علیهم السلام و صحابه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و بعد علمای بلاد مختلف تا برسیم به روش مرحوم میر حامد حسین.

۱۵ تفسیر الفرات الکوفی ج ۱ ص ۵۰۶ / ابن عساکر ج ۳۵ ص ۳۳۸

۱۶ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۱۲

۱۷ مسند احمد ج ۱۹ ص ۲۱۰

۱۸ الدر المنثور ج ۶ ص ۳۷۹

۱۹ الاسلام و الشیعة الامامیه فی اساسها التاریخی ص ۳۴۰

۲۰ بیته ۷

۲۱ تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۲۸۹